

حقوق زن در قوانین اساسی و مدنی ترکیه

کی از منابع اساسی حقوق هر کشور، قوانین موضوعه آن کشور می باشد. چرا که بسیاری

از حقوق اشخاص در قوانین کشورها تصریح و تعیین می گردد و از طریق مراجعه به قوانین

است که می توان میزان حقوق اشخاص را تشخیص داد. در میان قوانین موجود هر کشور

نیز دو قانون یعنی قانون اساسی و قانون مدنی نقش فوق العاده ای را ایفا می کند. مجازات

تجاوز به حقوق افراد نیز در قانون مجازات ذکر می گردد.

در این مقال کوشش می شود که حقوق زن با توجه به قانون اساسی و مدنی ترکیه مورد

بحث و بررسی فشرده و مختصر قرار بگیرد. چرا که عمده حقوق زنان در دو قانون فوق

معین شده است. امید است که با مطالعه این نوشته بتوان به پاسخ پاره ای از مسایل مربوط

به حقوق زن در ترکیه رسید.

الف - زن و حقوق مدنی

۱. استفاده از حقوق مدنی

براساس ماده ۸ قانون مدنی ترکیه: "هر شخص از حقوق مدنی استفاده می کند. بنابراین

هر کس در حدود قانون به لحاظ داشتن اهلیت در حقوق و تکالیف مساوی است."

ماده مذکور تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته است و استفاده از حقوق مدنی را حق همه افراد جامعه دانسته است. صلاحیت استفاده از حقوق و تکالیف نیز مشمول همین حکم است.

داشتن رشد، شرط اصلی صلاحیت استفاده از حقوق است. (ماده ۱۰ م.) و کسی رشید است که ۱۸ سال داشته باشد و یا ازدواج نماید. (ماده ۱۱ م.)

بنابراین ملاحظه می شود که سن رشد در زن و مرد برابر است و قانونگذار فرقی میان آن دو قائل نشده است.

۲. اقامتگاه قانونی

می دانیم که همه افراد باید اقامتگاه قانونی داشته باشند. اقامتگاه فرزندان و افراد محجور همان اقامتگاه ابویین و قیم است. اقامتگاه زن و شوهری هم که با هم زندگی می کنند، همان اقامتگاه شوهر است. اما چنانچه زن جدا از شوهر زندگی کند، می تواند اقامتگاه جداگانه ای داشته باشد. (ماده ۲۱ م.)

۳. ازدواج

۴. سن ازدواج

سن ازدواج در کشورهای دنیا یکسان نیست. همین وضعیت در مورد ترکیه نیز صادق است. به طوری که براساس ماده ۸۸ م. ترکیه: "پسر تا اتمام ۱۷ سالگی و دختر تا اتمام ۱۵ سالگی نمی توانند ازدواج نمایند."

بنابراین سن ازدواج در مورد دختر و پسر برابر نیست و دو سال فرق دارد. ضمناً حاکم می تواند در شرایط فوق العاده و به استناد یک دلیل بسیار مهم به ازدواج پسر شانزده سال تمام و دختر ۱۴ سال تمام اجازه دهد. (ماده ۸۸ م.).

۵. دادن اذن نکاح

براساس ماده ۹۰ م. ترکیه، فرزند بدون رضایت پدر و مادر یا وصی نمی تواند ازدواج کند و رضایت هر یک از آن دو یا وصی شان برای انجام نکاح کفایت می کند. در حقوق ایران، فرزند دختر بدون اذن پدر یا پدر بزرگ نمی تواند ازدواج نماید و رضایت مادر و دیگران تأثیری در صحت ازدواج ندارد. اما در حقوق ترکیه رضایت مادر نیز برای تحقق نکاح مؤثر است.

۶. ازدواج مجدد زن بعد از وفات شوهر

زن در حقوق ایران بعد از وفات شوهر عده وفات می گیرد که مدت آن ۴ ماه است و در مدت عده نمی تواند با فرد دیگری ازدواج نماید. در حقوق ترکیه این مدت ۳۰ روز تعیین شده است که در مورد طلاق و بطلان نکاح نیز لازم الرعایه است. اما چنانچه زن

وضع حمل نماید، عده مذکور پایان می یابد. همچنین در صورتی که زن و شوهری که از یکدیگر جدا شده اند، بخواهند ازدواج مجدد نمایند، حاکم می تواند مدت مذکور را کاهش دهد. ماده ۹۵. م. ترکیه)

همان طوری که ملاحظه می شود در حقوق ترکیه زن و شوهر در صورت رجوع نیز باید مدت عده را رعایت نمایند و حاکم مخیر است که مدت مذکور را کاهش دهد یا نه . اما در حقوق ایران ، زن و شوهری که از همدیگر جدا شده اند، در صورت تمایل به رجوع ، نیازی به حکم دادگاه و رعایت مدت عده ندارند. همچنین مدت عده در طلاق و بطلان نکاح ۳۰۰ روز نیست .

۷. بطلان ازدواج

در حقوق ترکیه چند همسری قانونی شمرده نشده است به طوری که براساس بند اول ماده ۱۱۲\ چنانچه یکی از طرفین (اعم از زن و مرد) در زمان اجرای مراسم نکاح متأهل باشند، ازدواج مذکور محکوم به بطلان است .\ همچنین براساس بند ۲ ماده مذکور،\ چنانچه هر یک از طرفین در زمان اجرای عقد نکاح مجنون و یا غیرممیز باشند عقل باطل است .\ بنابراین براساس قانون مدنی آن کشور، چند همسری مجاز شمرده نشده است و زن و مردی که بدون توجه به قانون با دیگری نیز ازدواج نماید، عقدش باطل و فاقد هرگونه اثر حقوقی است . همچنین ازدواج با غیرممیز یا مجنون باطل شمرده شده ، این در حالیست

که در حقوق ایران ازدواج مرد متأهل با زن دیگر باطل نیست و صرفاً به رضایت همسر اولی بستگی دارد. همچنین ازدواج با محجور باطل نیست بلکه از موارد فسخ شمرده می شود. ازدواج با محارم (نسبی و سببی) نیز از موارد بطلان نکاح است. (بند ۳ ماده ۱۱۲ م. ترکیه)

ذکر این مطلب لازم است که قانون تک همسری در پاره ای از نقاط ترکیه رعایت نمی شود. چرا که از نظر آنان صیغه شرعی برای صحت عقد نکاح کفایت می کند و برای انجام آن به امام جماعت محل مراجعه می شود که به این نوع ازدواج، "نکاح امام" می گویند. اضافه می شود که اغلب مردم برای انجام عقد ابتدا به نزد امام می روند و بعد از آن برای ثبت ازدواج به مأمور رسمی ازدواج مراجعه می نمایند. اما از دیدگاه قانون مدنی، برای صحت ازدواج رعایت موارد مذکور و مراجعه به دفتر ثبت ازدواج که در شهرداری ها مستقر است کفایت می کند و نیازی به خواندن صیغه شرعی وجود ندارد.

۸. طلاق

در قانون مدنی ترکیه، طلاق بدون دادخواست انجام نمی گیرد. بنابراین هر یک از زن و شوهر، برای جدایی از یکدیگر باید ابتدا دادخواست طلاق به دادگاه بدهد. در موارد ذیل هر یک از طرفین می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق به محکمه اقدام نماید:

- ارتکاب زنا

عمل زنا از اسباب درخواست طلاق است. بنابراین زن یا شوهر می تواند به استناد زنا

همسر، دادخواست جدایی از وی را به دادگاه تقدیم کند. حق درخواست طلاق از تاریخ

اطلاع از ارتکاب زنا هر یک از همسران، ۶ ماه و به هر حال از تاریخ وقوع زنا نباید

بیش از ۵ سال گذشته باشد. در صورت عفو، اقامه دعوی مسموع نیست. (ماده ۱۲۹ م.).

- قصد جان و رفتار سوء

چنانچه هر یک از زن یا شوهر قصد جان یکدیگر را داشته یا رفتار سوئی داشته باشد،

طرف زیان دیده می تواند به سبب آن در دادگاه اقامه طلاق نماید. مدت اقامه دعوا، ۶ ماه

از تاریخ اطلاع به سبب دعوی طلاق و در هر حال از تاریخ وقوع قصد یا رفتار بد حداکثر

۵ سال است. در صورت عفو، دعوی مسموع نیست. (ماده ۱۳۰ م.).

- ارتکاب جرم تزدیلی یا بی حیثیتی نسبت به طرف مقابل

چنانچه هر یک از شوهر یا زن، مرتکب جرم تزدیلی شود یا موجب بی آبرویی و عدم

حیثیت طرف مقابل شود، زیان دیده می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق به دادگاه

اقدام نماید. ماده ۱۳۱ م.).

- ترک همسر

ترک همسر نیز از اسباب درخواست طلاق است. بنابراین چنانچه هر یک از زن یا شوهر حداقل ۳ ماه متوالی با هدف عدم انجام تعهد زناشویی منزل را ترک نماید؛ طرف مقابل می تواند نسبت به تقدیم دادخواست طلاق در محکمه اقدام نماید. دادگاه نیز می تواند به درخواست زیان دیده، به طرف مقابل مدت یک ماه برای برگشت به منزل مهلت دهد. این اخطار به صورت اعلان انجام می شود. در صورت عدم بازگشت او، دادگاه نسبت به انجام طلاق حکم لازم را صادر می نماید. (ماده ۱۳۲ م.)

- جنون

دیوانگی نیز از اسباب حق درخواست طلاق است. به طوری که براساس ماده ۱۳۳ م. ترکیه، چنانچه دیوانگی سه سال تمام استمرار داشته باشد و این وضعیت برای ادامه زندگی مشترک غیرقابل تحمل گردد، طرف مقابل می تواند به دادگاه درخواست طلاق بدهد. در قانون مدنی ایران جنون از موارد فسخ است. (ماده ۱۱۲۱ م. ایران)

- متلاشی شدن زندگی مشترک

چنانچه زندگی مشترک در حد غیرقابل انتظار متزلزل گردد و این وضعیت تداوم داشته باشد، هر یک از طرفین می تواند نسبت به انجام طلاق اقامه دعوی نماید. (ماده ۱۳۴ م.)

چنانچه که ملاحظه شد:

اولاً هر یک از زن و شوهر در صورت وقوع هر کدام از اسباب ذکر شده می تواند تقاضای طلاق نماید و دادخواست طلاق ویژه مرد نیست بلکه زن نیز از این حق برخوردار است .

ثانیاً طلاق با حکم دادگاه انجام می شود. ضمن اینکه دادگاه با ملاحظه پرونده می تواند نسبت به صدور حکم طلاق یا جدایی اقدام نماید که در صورت حکم به جدایی (نه طلاق) این مدت حداقل یک سال و حداکثر ۳ سال خواهد بود. و در صورتی که زوجین در مدت یاد شده به یکدیگر رجوع نمایند، مدت جدایی پایان می یابد و زوجین به طور دائم از یکدیگر جدا می شوند.

لازم به یادآوری است که در حقوق مدنی ایران ، طلاق زوجه منوط به ذکر اسباب نیست اما زوجه خواهان طلاق باید در دادخواست خود دلیل مفارقت را قید نماید ضمن اینکه در صورت نبودن توافق برای طلاق در میان زوجین زن نمی تواند بدون اثبات عسر و حرج در محکمه از شوهر طلاق بگیرد. (ماده ۱۱۳ .م . ایران)

۹. احوال شخصی زن مطلقه

زن مطلقه ، بعد از طلاق نیز می تواند احوال شخصی خود را که از ازدواج به دست آورده حفظ کند. اما نام خانوادگی زمان مجرد خود را مجدداً کسب می نماید. اگر زن مطلقه در حفظ نام خانوادگی زمان تأهل منفعتی دارد و ضرری متوجه شوهر نمی شود قاضی می

تواند به تقاضای او، نسبت به حفظ نام خانوادگی زمان تأهل (نام خانوادگی شوهر) اذن بدهد. مرد در صورت تغییر شرایط می تواند از حاکم تقاضای رفع اذن فوق را نماید. (ماده ۱۴۱ م. ۱۴۱)

۱۰. درخواست نفقه بعد از وقوع طلاق

براساس ماده ۱۴۴ م. ۱۴۴ "چنانچه هر یک از زن یا مرد به سبب وقوع طلاق متحمل فقر و تنگدستی شود و در وقوع آن قصور سنگینی نداشته باشد، می تواند از همسر به قدر وسع او به طور دائم درخواست نفقه نماید. اما مرد در صورتی می تواند از همسر تقاضای نفقه نماید، که او مرفه باشد."

ملاحظه می شود که در قانون مدنی ترکیه، نفقه بعد از طلاق تأدیه می شود نه در دوران زندگی مشترک و پرداخت آن صرفاً به عهده مرد نیست بلکه زن مرفه نیز در صورت معسر بودن شوهر هزینه زندگی او را تأمین می نماید. این پرداخت تا زمان رفع فقر و تنگدستی تداوم پیدامی کند. افزایش و کاهش میزان آن نیز نیازمند حکم دادگاه است. اما در قانون مدنی ایران پرداخت نفقه (در طول دوران زناشویی) فقط به زوجه تعلق می گیرد و مشمول حال زوج نمی شود. (ماده ۱۱۶ م. ایران)

۱۱. حقوق و تکالیف زوجین

زن و شوهر در طول دوران زناشویی حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر و اعضای خانواده دارند که ذیلاً بررسی می شود:

- ریاست خانواده

به موجب ماده ۱۵۲ م. ترکیه: "ریاست خانواده با مرد است. انتخاب منزل و اعاشه فرزندان به شکل مناسب به او مربوط است." در حقوق ایران نیز ریاست خانواده با مرد است و ولایت بر اولاد و تأمین زندگی آنان نیز به عهده اوست. (مواد ۱۱۰۵، ۱۱۱۴ و ۱۱۸ م. ایران)

- تغییر نام خانوادگی همسر

به موجب ماده ۱۵۳ م. ترکیه: "زن، نام خانوادگی شوهرش را بر خود می گیرد. زن برای تأمین سعادت مشترک، در حد مقدور، معاون و مشاور شوهرش است. رسیدگی به منزل به عهده زن است."

- نمایندگی خانواده

براساس ماده ۱۵۴ م. ترکیه: "نمایندگی خانواده با شوهر است. در خصوص اداره اموال، هر چند زن و شوهر اصول دیگری را پذیرفته باشند، اما در تصرفاتشان شوهر شخصاً مسؤول است."

زن نیز به موجب ماده ۱۵۵ م. ۱ برای رفع نیازهای خانواده همانند شوهر دارای حق نمایندگی خانواده است. اما چنانچه زن در اجرای این امر کوتاهی نماید یا به شکل سوء به کار گیرد، شوهر می تواند این صلاحیت را به طور کامل یا جزاً از وی سلب نماید. سلب صلاحیت باید از طریق دفتر اسناد رسمی صورت بگیرد والا در مورد اشخاص ثالث ارزشی نخواهد داشت. (ماده ۱۵۶) البته اگر زن به این سلب صلاحیت اعتراض نماید و دادگاه به بی سبب بودن سلب صلاحیت واقف گردد، می تواند نسبت به اعاده آن اقدام نماید. (ماده ۱۵۷) و چنانچه مرد صراحتاً یا ضمناً اذن نداده باشد، زن نمی تواند از صلاحیتی که قانوناً کسب کرده، تجاوز نماید. (ماده ۱۵۸ م.).

۱۲. شغل زن

ماده ۱۵۹ م. که در مورد شغل زن بود، به موجب تصمیم مورخ ۱۹۹۰/۱۱/۲۹ دادگاه قانون اساسی ابطال شد. بنابراین در مورد شغل زن حکم خاصی وجود ندارد و زن همانند مرد می تواند در کلیه مشاغل مجاز فعالیت داشته باشد. اما به موجب ماده ۱۱۱۷ م. ایران "شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند."

۳. صلاحیت دعوی

به موجب ماده ۱۶۰ م. زن دارای صلاحیت دعوی است ، هر چند که زوجین در اداره اموال خود روش دیگری را در پیش گرفته باشند. در دعاوی اشخاص ثالث نسبت به اموال شخصی ، شوهر مکلف به نمایندگی از سوی همسر است .\

بنابراین زن خود می تواند اقامه دعوی کند. اما در مورد اموال ، چنانچه اشخاص ثالث طرح دعوی نمایند، شوهر به نمایندگی از وی در دعوی دخالت می کند و این نمایندگی جنبه الزامی دارد. لذا شوهر نمی تواند این نمایندگی را رد کند.

۱۴. حفظ وحدت خانواده

به موجب ماده ۱۶۱ م. :\ "چنانچه هر یک از زوجین در انجام وظایف خانوادگی کوتاهی نماید یا دیگری را با خطر، خجالت و یا ضرر مواجه سازد، طرف زیان دیده می تواند مداخله حاکم را درخواست نماید.

حاکم نیز، برای عمل به وظیفه طرف مقصر، به او اخطار می دهد. چنانچه اخطار مذکور نتیجه ای نداشته باشد، حاکم تدابیر مقرر در قانون را اتخاذ می نماید.\

برای رسیدگی به این گونه دعاوی محاکم صلح صلاحیت دارند.

۱۵. تعطیل حیات مشترک

به موجب ماده ۱۶۲ م. ۱: "چنانچه هر یک از زوجین به خاطر زندگی مشترک به لحاظ صحت، شهرت و پیشرفت شغلی با خطر جدی مواجه شود، می تواند مسکن جداگانه ای را اختیار کند.

زن و شوهر، در زمان اقامه دعوی طلاق یا جدایی، حق دارند که به طور جداگانه زندگی نمایند. چنانچه هر یک از زوجین دارای حق سکونت جداگانه باشد، حاکم در مورد میزان مشارکت آنکه باید هزینه زندگی دیگری را تأمین نماید، تصمیم می گیرد."

۱۶. کوتاهی شوهر در انجام وظایف خانوادگی

به موجب ماده ۱۶۳ م. ۱: "چنانچه شوهر در انجام وظایف خانوادگی اهمال نماید، شیوه زوجین در خصوص اداره اموال به هر ترتیب که باشد، حاکم زن را به تأدیه تمام یا بخشی از دیون مشترک موظف می سازد."

بنابراین تا زمانی که شوهر در انجام وظایف خانوادگی کوتاهی نمی کند، مسؤلیت تأدیه دیون خانواده با اوست. چرا که ریاست خانواده با شوهر است. اما در صورتی که او در انجام وظایفش قصور نماید، حاکم به حکم ضرورت برای تأدیه دیون و انجام وظایف خانواده زن را مکلف می سازد.

در حقوق ایران نیز پرداخت هزینه زن و اولاد به عهده شوهر است اما چنانچه شوهر نتواند به وظایف عمل نماید، زن در خصوص حضانت و تأمین زندگی اولاد مشترک مسؤولیت پیدا می کند.

۱۷. اجرای جبری

زن و مرد در دوران زندگی زناشویی وظایف مشترکی نسبت به یکدیگر دارند. اما این وظایف مشترک صرفاً در امور خانوادگی است و شامل همه امور انسانی نمی شود. بنابراین چنانچه "هر یک از زوجین در دوران زندگی زناشویی مشترک، دیگری را به

اجرای امری که مغایر باوظایف زوجیت و خانوادگی است، مجبور نماید، طرف زیان دیده می تواند به حاکم مراجعه نماید." (ماده ۱۶۵ م.)

اما "در صورتی که شخص ثالثی علیه هر یک از زوجین اجرای حکمی را تعقیب نماید، آن دیگری می تواند از مال خودش در حجز و یافلاس همسرش مشارکت داشته باشد." (ماده ۱۶۶ م.)

۱۸. تصرف هر یک از زوجین در اموال یکدیگر

به موجب ماده ۱۶۹ م.: "هر نوع تصرف حقوقی در میان زوجین جایز است. تصرف شوهر در اموال زن یا تصرف حقوقی آن دو در اموال مشترک، بدون تأیید محکمه صلح

معتبر نیست . همچنین ، التزام زن به شخص ثالث به نفع شوهرش مشمول این حکم است

"۸.

۱۹. جدایی اموال زوجین

"چنانچه زوجین در ضمن عقد ازدواج اصول مذکور در قانون را در مورد اداره اموال

قبول نکنند و یا خلاف آن عمل نمایند، در میان آنها جدایی اموال جریان پیدا می کند."

(ماده ۱۷۰ م.)

"قرارداد (عقد) ازدواج ممکن است قبل یا بعد از مراسم ازدواج منعقد شود. زوجین

مکلف به قبول یکی از اصول مذکور در قانون مدنی هستند. توافق زوجین در مورد اداره

اموال نمی تواند مخل به حقوق اشخاص دیگر شود." (ماده ۱۷۱ م.)

۲۰. شکل پیمان ازدواج

"عقد، تعدیل و یا فسخ پیمان زناشویی باید به شکل رسمی باشد و طرفین و نمایندگان

قانونی آنان آن را امضا نمایند." (ماده ۱۷۳)

۲۱. حقوق مالکیت ، اداره و انتفاع

زن و شوهر هر دو می توانند حق مالکیت ، اداره و انتفاع کلیه اموال خود را حفظ نمایند

که به آن جدایی اموال می گویند.

"چنانچه زن اداره اموال خود را به شوهرش واگذار نماید، در این صورت فرض بر این می شود که زن در طول دوران زناشویی از حساب خواهی از شوهرش صرف نظر کرده و کلیه درآمدها و هزینه های اموالش را به شوهرش سپرده است .

زن هر زمان که بخواهد می تواند از حق اداره اموالش که به شوهرش داده ، برگردد و برای باز پس گرفتن حق اداره ، اسقاط حق معتبر نیست ." (ماده ۱۸۶)

۲۲. درآمد و منفعت

به موجب ماده ۱۸۹ م. : "درآمد و منفعت هر یک از زن و شوهر به خودشان تعلق دارد."

۲۳. اشتراک همسر در هزینه های خانواده

به موجب ماده ۱۹۰ م. : "مرد می تواند مشارکت زنش را در تأمین هزینه خانواده در حد متناسب بخواهد. در صورت اختلاف آنها در میزان اشتراک ، هر یک از آنان می توانند تعیین مقدار آن را از محکمه درخواست نماید."

۲۴. اشتراک اموال

به موجب ماده ۱۹۱ م. : "زن و شوهر می توانند در قرارداد ازدواج اصول اشتراک اموال را بپذیرند."

قبول اصول اشتراک اموال ، به منزله پذیرش حق تصرف آنان در اموال مشترک است .
بنابراین زن و شوهر از زمان قید اشتراک در قرارداد ازدواجشان می توانند در اموال همسر نیز همانند اموال خود تصرف نمایند. این تصرف ، مسئولیت آور نیز می باشد. بنابراین حق و تکلیف در کنار یکدیگرند و نمی توان حق تصرف را پذیرفت بدون اینکه مسئولیتی متوجه زوجین (متصرف) گردد. (مواد ۲۱۶ و ۲۱۵ م.)

۲۵. رد ارث

به موجب ماده ۲۱۴ م. : "هیچ کدام از زن و شوهر در زمان دوام زوجیت نمی توانند بدون رضایت دیگری از قبول میراثی اجتناب نمایند. در صورت امتناع از قبول یکی ، آن دیگری می تواند به محکمه صلح مراجعه نماید."

۲۶. پایان اشتراک اموال

اشتراک اموال به دو صورت خاتمه می یابد:

۱- تقسیم قانونی (در صورت فوت هر یک از زن و مرد) (ماده ۲۲۱ م.)

۲- تقسیم عقدی (به موجب قرارداد مشترک) (ماده ۲۲۲ م.)

در صورت فوق هر یک از زوجین ، نصف اموال مشترک به همسر زنده و بقیه به وراثت متوفی منتقل می گردد که شامل شوهر یا زوجه نیز می گردد.

۲۷. تمدید اشتراک

زوجین می توانند قرارداد اشتراک را تمدید نمایند و همچنین می توانند اشتراک و مسئولیت خود را علاوه بر اموال مشترک ، به درآمدها و منافعشان نیز تسری دهند. (ماده ۲۲۶ م.)

همچنین ، زوجین می توانند به اشتراک محدود در اموال رضایت دهند که در این صورت اشتراک مذکور مشمول برخی از اموال به ویژه اموال غیر منقول نخواهد بود. (ماده ۲۳۲ م.)

۲۸. ولایت

ولایت والدین بر اولاد: همان طوری که می دانیم در حقوق مدنی ایران ولایت اطفال به عهده پدر یا جد پدری است و مادر تنها حق حضانت بر اطفال را عهده دار است . بنابراین اداره امور حقوقی و اقتصادی فرزندان صغیر با پدر یا جد پدری است . از دیدگاه قانون پدر و جد پدری اولیاء قهری فرزندان محسوب می شوند. بنابراین تغییر ولی ممکن نیست و مادر نمی تواند نقش پدر را ایفا نماید. اذن ازدواج اولاد مؤنث نیز هر چند که رشیده باشند، با پدر و جد پدری است . بنابراین دختر در صورت نداشتن پدر و جد پدری تحت ولایت

مادر قرار نمی گیرد و می تواند با فردی که موانع نکاح ندارد، بدون اذن مادر ازدواج

نماید. (مواد ۱۰۴۳، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴)

اما در حقوق مدنی ترکیه، فرزند (اعم از دختر و پسر) در زمان صغر تحت ولایت پدر و

مادر است. (ماده ۲۹۲ م.) اجرای ولایت نیز تازمانی که زوجیت دوام دارد، به طور

مشترک انجام می یابد و در صورت اختلاف، رأی پدر معتبر است. (ماده ۲۹۳ م.) با

وفات هر یک از زن و شوهر، ولایت به آنکه زنده است و در زمان جدایی آن دو، به آنکه

نگهداری بچه را عهده دار شده است، متعلق است. (ماده ۲۹۴ م.)

نامگذاری بچه به عهده پدر و مادر است. فرزند موظف به اطاعت از پدر و مادر است.

والدین نیز مکلف به تربیت فرزند به ویژه معلول و ضعیف العقل هستند. (ماده ۲۹۴ م.)

تربیت دینی فرزند به عهده پدر و مادر است. فرزند رشید در انتخاب دین آزاد است.

(ماده ۲۶۶). پدر و مادر حق تأدیب بچه را دارند. (ماده ۲۶۷ م.)

پدر و مادر در حدود ولایت خود نسبت به فرزند، نمایندگی او را دارا هستند و در این

حدود نیازی به رأی قاضی ندارند. (ماده ۲۶۸ م.)

پدر و مادر در شرایط دوام ولایتشان ، اموال فرزند خود را اداره می کنند و در این خصوص موظف به دادن حساب و تضمین نیستند. اما چنانچه پدر و مادر به وظایفشان عمل نکنند، حاکم تصمیم مقتضی را می گیرد. (ماده ۲۷۸ م.)

درآمدهای فرزند در وهله اول به خودش هزینه می شود، و اضافه بر نیاز او به هر یک از پدر یا مادر که هزینه های خانواده به عهده اوست داده می شود. (ماده ۲۸۱ م.)

همان طور که ملاحظه گردید، زن و مرد هر دو در ولایت اولاد اشتراک دارند و فرقی میان آن دو نیست . در خصوص نفقه اولاد نیز فرقی میان پدر و مادر گذاشته نشده است و

به ذکر یک ماده کلی اکتفا شده است . (ماده ۳۱۵ م.) بنابراین مادر نیز همانند پدر در نفقه اولاد سهیم است . البته این تکلیف در صورتی به عهده مادر است که توان تأدیه نفقه را داشته باشد.

۲۹. ارث

در حقوق ایران ، سهم الارث اولاد ذکور و اناث متفاوت است . دختر نصف پسر سهم الارث می برد. (ماده ۹۷ م.) اما در حقوق ترکیه ، این تفاوت پذیرفته نشده است . به طوری که مطابق صریح ماده ۴۳۹ م. ترکیه : "فرزندان ، به طور مساوی ارث می برند." در مورد میزان ارث پدر و مادر نیز حقوق مدنی ایران به قاعده مذکور پایبند است یعنی سهم الارث مادر ۱۲ پدر است . اما حقوق مدنی ترکیه ، فرقی میان پدر و مادر نگذاشته

است. به طوری که مطابق ماده ۴۴۰ م. ۱: «چنانچه متوفی فروع (اولاد) نداشته باشد، پدر و مادر وارث او خواهند بود. حق الارث آن دو برابر است.»

«چنانچه متوفی نه فروع و نه پدر و مادر داشته باشد، وارثان او پدر و مادر بزرگش خواهند بود. آنان به طور مساوی ارث می برند.» (ماده ۴۴۱ م.)

۳۰. ارث همسر

به موجب ماده ۴۴۴: «همسری که در قید حیات است، در قبال سایر وارث، از همسر متوفی به نسبت ذیل ارث می برد:

۱- چنانچه، با فروع متوفی (همسر) هم ارث باشد، ۱۴ اموال متوفی را به ارث می برد.
۲- چنانچه با والدین متوفی یا فروع آن دو، هم ارث باشد، ۱۲ اموال متوفی را به ارث می برد.

۳- چنانچه با پدر و مادر بزرگ متوفی هم ارث باشد، ۳۴ اموال متوفی را به ارث می برد.

و در صورت نبودن هیچ کدام از آنان، تمامی میراث متوفی را به ارث می برد.»

۳۱. ارث فرزند خوانده

قانون مدنی ترکیه، فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته است. بنابراین می توان فرزند دیگری را تحت شرایطی به فرزند قبول کرد. فرزندخوانده و فروع او نیز از پدر و

مادرخوانده ارث می برند. به طوری که مطابق ماده ۴۴۷ م. : "فرزند خوانده و فروع او،

همانند فرزندحقیقی از شخصی که او را به فرزندى قبول کرده ، ارث می برد."

۳۲. ارث دولت

به موجب ماده ۴۴۸ م. : "چنانچه متوفی وارث نداشته باشد، اموال او به خزانه دولت

منتقل می شود."

ملاحظات :

۱. در باب دهم بخش اول کتاب سوم قانون مدنی ترکیه با عنوان وارث قانونی ، اشخاص

حقیقی و حقوق ذیل از متوفی ارث می برند: الف) خویشاوندان نسبی : ۱. فروع (فرزندان

و اولاد آنها) ۲. پدر و مادر ۳. جد و جده ۴. پدر و مادر جد و جده ۵. خویشاوندان نسبی

که نسب صحیح ندارند. ب) زوجین ، ج) فرزندخواندگان ، د) دولت .

۲. همان طور که در بند ۵ خویشاوندان نسبی ذکر شد، اشخاصی که نسب صحیح ندارند،

همانند خویشاوندان نسبی صحیح النسب حق ارث دارند. (ماده ۴۴۳ م.) این حکم در

مورد فرزندخواندگان نیز صدق می کند. (ماده ۴۴۷ م.)

۳. همان طور که ملاحظه شد، در میان ارث بران ، نامی از برادر و خواهر، خاله ، عمه ،

عمو، دایی و فرزندان آنان برده نشده است . بنابراین آنان از متوفی ارث نمی برند و

چنانچه متوفی از طریق وصیت یا قرارداد ارث ، مالی را به آنان وا نگذارد، آنها از ارث

بردن محروم می شوند. امادر قانون مدنی ایران برادر و خواهر، عمو، عمه، خاله، دایی و فرزندان آنان نیز از جمله وراث پذیرفته شده اند. ضمن اینکه مطابق قانون مدنی ایران، فرزندخواندگان نمی توانند از کسی که آنها را به فرزندگی قبول کرده ارث ببرند. همچنین اشخاصی که نسب صحیح ندارند، نمی توانند از پدر و مادر ارث ببرند و پدر و مادر نیز از او ارث نمی برند. اما اگر حرمت رابطه که طفل ثمره آن است نسبت به یکی از ابویین ثابت و نسبت به دیگری به واسطه اکراه یا شبهه زنا نباشد طفل فقط از این طرف و اقوام او ارث می برد و بالعکس. (ماده ۸۸۴. م. ایران)

ب - زن و قانون اساسی

۳۳. زن و برابری در مقابل قانون

قانون اساسی ترکیه در بحث از برابری در مقابل قانون همه را یکسان دانسته است به طوری که به موجب اصل ۱۰. ا. ترکیه: "همه افراد بدون توجه به زبان، نژاد، رنگ، جنسیت (زن و مرد بودن) و نظایر آن در مقابل قانون برابرند. به هیچ شخص، خانواده، گروه و یا طبقه ای امتیاز (خاصی) قائل نیست..."

بنابراین زن یا مرد بودن سبب امتیاز و برخورداری بیشتر از حقوق عمومی و امکانات دولت نیست و هر دو در مقابل قانون برابرند.

۳۴. خانواده و حرمت آن

به موجب اصل ۲۰. ا. ترکیه : "هر کس حق درخواست حرمت گذاری به زندگی خصوصی و زندگی خانوادگی را دارا می باشد. اسرار زندگی خصوصی و خانوادگی مصون از تعرض است."

۳۵. حمایت از خانواده

به موجب اصل ۴۱. ا. ترکیه : "اساس جامعه ترک خانواده است . دولت برای رفاه و آسایش خانواده به ویژه برای حمایت از مادران و کودکان و آموزش تشکیل خانواده تدابیر مقتضی را اتخاذ و تشکیلات لازم ایجاد می نماید."

۳۶. زن و کار

براساس اصل ۵۰. ا. ترکیه : "هیچ کس را نمی توان در کاری که مناسب با سن ، جنسیت و توان او نباشد به کار گماشت .

کودکان ، زنان و معلولان بدنی و روحی ، به لحاظ شرایط کار به طور ویژه مورد حمایت قرار می گیرند."

ملاحظات :

(۱) در اصلاحات اخیر به عمل آمده در قانون اساسی ترکیه به اصل ۴۱ (نگاه کنید به بند ۴۳) نیز عبارتی افزوده شد که به موجب آن "زوجین در خانواده برابرند."

۲) در قانون اساسی ترکیه در بخش حقوق اساسی، جز موارد ذکر شده تمایزی میان زن و مرد گذاشته نشده است. بنابراین زنان نیز همانند مردان از کلیه حقوق عمومی برخوردارند. می توانند در مناصب حکومتی نیز حضور داشته باشند. از انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر و رئیس حزب محروم نشده اند.

۳) با وجود تساوی زن و مرد در قانون اساسی، در واقعیت امر، مردان از امتیازات بیشتری در اداره مناصب عالی و مدیریتی دولت برخوردارند و حضور زنان در سطوح عالی حکومت ضعیف است. به عنوان مثال هیچ وقت زنی به مقام ریاست جمهوری نایل نشده است و تنها یک بار زنی (خانم تانسو چیلر) به عنوان نخست وزیر برگزیده شده است. در سطح وزارت نیز حضور زنان کم رنگ است و در مقابل، حضور آنان در پست های مادون و فعالیت های فرهنگی و هنری کم ارزش بیشتر است. از زنان در تبلیغات سوء استفاده های زیادی می شود. نقش زنان در ترویج بی بند و باری که طراحی آنها معمولاً از سوی مردان انجام می گیرد فوق العاده است. کانال های تلویزیونی و روزنامه های لاییک در سوء استفاده از زنان نقش بی بدیلی دارند و متأسفانه جامعه ترکیه زیر باران فیلم های نامناسب با شأن و منزلت زنان قرار گرفته است. گروه هایی چون گروه آیدین دوغان که مدیریت چند کانال لاییک و انتشار روزنامه های کثیرالانتشاری چون حریت با آنهاست نقش فوق العاده ای در ترویج بی دینی و بی بند و باری در میان زنان و جوانان ترکیه ایفا می کنند. گروه های مذکور مورد حمایت دولت است.

مترجم : علی حکیم پور